

افق‌های دولت چهاردهم



محسن آرمین
نایب‌رئیس جبهه اصلاحات و عضو
شورای مرکزی حزب توسعه ملی

مانند «حجاب و عفاف» و... استفاده کرد تا جامعه را اسلامی کرد. برای دولت اسلامی نیز باید اجازه ندهیم که نامحرمان وارد حاکمیت شوند. حاکمیت باید از آن همان اقلیتی باشد که با این خوانش موافق است. طبیعتاً با انتخاباتی روبه‌رو می‌شویم که جامعه به‌هیچ‌وجه تحقق آرزوها و مطالبات خود را در آن نمی‌یابد. در سطح خارجی نیز با موج تحریم‌ها، مشکلات عدیده و انزوای بین‌المللی مواجه می‌شویم که به‌رغم داشتن موقعیت و ظرفیت‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیک تمام کریدورها و طرح‌ها از بیرون مرزهای جغرافیایی کشور کشیده می‌شود. طرح‌های انتقال گاز، نفت، کریدورهای هوایی، راه‌های مواصلاتی، تجارت بین‌الملل و... همه بیرون مرزهاست و با وجود موقعیت ژئوپلیتیکی تمام این ظرفیت‌ها و بهترین فرصت‌ها از دست می‌رود.

این وضعیتی است که ما در حال حاضر به آن دچار هستیم. قرار بود ما در برابر غرب باشیم و به‌عنوان یک خیزش نوپای زاینده انقلابی بتوانیم موضع تهاجمی در برابر غرب داشته باشیم اما نتیجه این است که در برابر ده‌ها طرح و توطئه قرار می‌گیریم و تاگریز از دفاع می‌شویم. در حقیقت تهاجم به دفاع و تدافع تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر اولین نیاز هر موجودی، نیاز به بقا و زندگی است و بعد از آن به سراغ نیازهای دیگر می‌رود. اگر این نظام واحد سیاسی در برابر تهاجمات است و دائم باید دفاع کند به معنای آن است که همواره باید در فکر بقای خود باشد. در صدر تشریح دستاوردهای انقلاب زمان سالگرد انقلاب اسلامی می‌گویند ما ۴۰ سال در برابر تهدیدها و تهاجمات دشمن مقاومت کردیم و توانستیم بمانیم. این به‌عنوان عالی‌ترین دستاورد جمهوری اسلامی ذکر می‌شود. این موضوع معنای زیادی دارد. انقلاب اسلامی مگر آمده بود که فقط بماند و موجودیت خود را حفظ کند؟ جمهوری اسلامی برای جامعه حرف داشت و برای جهان و بشر امروز پیام معنویت و اخلاق داشت. اما بالاترین دستاوردش این است که به‌رغم تمام توطئه‌ها توانستیم بمانیم. این «نگاه بجا» که اقتضائاتی در جامعه دارد؛ باعث می‌شود که راهبردی بکارا جایگزین راهبرد توسعه کنیم و به‌جای توسعه به‌فکر بقای خود باشیم. وقتی کشوری دائم خود را در برابر تهاجم می‌بیند باید همواره نگران نفوذ و توطئه‌های دشمن در تمام سطوح باشد، از روزنامه‌ها گرفته تا احزاب، نهادهای مدنی، دانشگاه، دانشجو، استاد دانشگاه و... نتیجه این نگاه فاصله‌دورتر شدن هر چه بیشتر جامعه از حاکمیت است. عمیق شدن بین حاکمیت و ملت و از آنجایی که این راهبرد بقا با وجود تحریم‌ها و... نمی‌تواند پاسخ‌نیازها و مطالبات حتی روزمره مردم را بدهد، فشارها، محرومیت‌ها، فقر، گرانی، تورم، بیکاری و... نیز مزید بر علت می‌شود تا جامعه به وضعیتی برسد که ما امروز دچار آن هستیم.

این عنوان افق‌های سیاسی دولت چهاردهم از این جهت عنوان مناسبی است که ما در افق دولت چهاردهم باید خروج از این وضعیت را ببینیم. یعنی بازگشت به راهبرد توسعه همه‌جانبه، عادلانه و درون‌زا و حاکم‌کردن این راهبرد. تنها راه ما این توسعه است که اقتضائاتی دارد. در داخل این توسعه، همکاری جامعه را نیاز دارد. یعنی از بین بردن شکاف‌های عمیقی که بین حاکمیت و مردم وجود دارد و استفاده از تمام ظرفیت‌های جامعه و مشارکت همه اقشار در ساختن کشور و لازمه این موضوع، استفاده از ظرفیت‌ها و آزادی است. در سطح خارجی نیز حرکت در جهت تنش‌زدایی است.

آقای قالیباف در مناظره گفت: «ما اینقدر هدررفت انرژی داریم که می‌توانیم ۱۰۰ میلیارد دلار با صرفه‌جویی و جلوگیری از هدررفت سرمایه ایجاد کنیم.» این موضوع کاملاً درست است اما برای مهار هدررفت انرژی و به دست آوردن این ۱۰۰ میلیارد دلار به تکنولوژی داریم یا خیر؟ مگر می‌شود بدون ارتباط با دنیا و استفاده از تکنولوژی روز چنین کاری را انجام داد؟ سعید جلیلی گفت: «۲۰۰ کشور در دنیا وجود دارد که ۸ تا ۱۰ کشور اینها هستند ما با ۱۸۰ کشور رابطه برقرار می‌کنیم.» ایشان بانی داندانی می‌خواهد بگوید که یک چهارم اقتصاد دنیا در دست آمریکا و یک چهارم اقتصاد و تکنولوژی دنیا در دست ۱۶ کشور دیگر (از جمله اروپا، ژاپن و اروپا و...) است. ۲۰ درصد اقتصاد در دست ۱۸۰ کشور و ۸۰ درصد اقتصاد در دست ۲۰ کشور دنیا است. مگر می‌توانید بدون ارتباط آزاد و تنش‌زدایی نیازهای خود را برطرف کنید؟

رویکرد انتخابات و انتظارات از دولت چهاردهم

در حال حاضر با یک جامعه معترض، خشمگین و مستأصل روبه‌رو هستیم که به تحمیل‌ها، نابرابری‌ها، محدودیت‌ها معترض است. خشمگین است چرا که صدایش به جایی نمی‌رسد یا پاسخی نمی‌شود. بارها و بارها از طریق قانونی و مسالمت‌آمیز خواسته‌اراده و مطالبات خود را مطرح کند اما پاسخی نشنیده

باید به مسائل اساسی تر و مبنایی تر نگاه کرد. عوامل ایجاد شرایطی که اکنون به آن دچار هستیم را بررسی و براساس آن راهکارهای مشخصی را برای برون‌رفت از این وضعیت تدبیر کنیم. ما انتخاباتی را بعد از انتخابات سرد و بی‌رقم در اسفند سال گذشته برگزار می‌کنیم؛ انتخاباتی که با حداقل مشارکت برگزار شد و در طول تاریخ جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود. این اتفاق غیرمترقبه نبود و بدون علت و دلیل رخ نداد. مجموعه‌ای از مشکلات و معضلاتی که جامعه ما با آن درگیر است، از ناکارآمدی حکومت و حاکمیت در حوزه‌های اقتصادی، سیاست خارجی و داخلی و اجتماعی گرفته تا محدودیت‌های موجود برای اقشار مختلف جامعه دست‌به‌دست هم داد تا انتخابات بی‌رقم مجلس در اسفند شکل گرفت. ما باید ببینیم چرا این شرایط به وجود آمده است. اگر به علت‌ها دست پیدا کنیم راه حل‌ها هم مشخص می‌شود. از سوی دیگر تکلیف مردم، جامعه و حاکمیت مشخص می‌شود. فرض من بر این است که وضعیت نگران‌کننده ما تابع یک متغیر مستقلی و آن هم رویکرد حاکم بر اداره کشور است. وضعیتی که ما می‌توانیم تعبیر کنیم نتیجه تعریفی است که از خودمان و هدفگذاری‌هایی است که در جامعه جهانی کردیم. تعریف و هدفگذاری‌هایی که با جامعه ملی ما سازگاری و تناسبی ندارد و سرمایه و توانمندی ما را به فرسایش می‌کشاند. زمانی که ریزش فرهنگی در لبنان بود در یک مراسمی در سفارت که مرحوم فتاحی شقافی - رهبر سازمان جهاد اسلامی فلسطین - هم حاضر بود شرکت کرد. آن زمان مصادف بود با پایان جنگ و قبول قطعنامه توسط ایران. به دلیل آنکه فتاحی شقافی آدم صاحب تحلیل و فکوری بود از ایشان سوال کردیم: «به نظر شما چرا پای جنگ به اینجا کشید؟ تحلیل شما چیست از این شرایط؟» خیلی کوتاه گفت: «جمهوری اسلامی هدفی را برای خود در جنگ تعریف کرده بود که فراتر از توان و ظرفیت‌هایش بود و می‌خواست مناسبات منطقه‌ای را با استفاده از فرصت جنگ کاملاً تغییر دهد و این هدف فراتر از توان و ظرفیت‌های ملی جمهوری اسلامی بوده همین دلیل موفق نشد.» با الهام از فتاحی شقافی می‌گویم ما هدفگذاری‌ها و تعریفی از خودمان کردیم که در نتیجه آن توان ملی ما را به فرسایش می‌کشاند و نمی‌توانیم آن اهداف را محقق کنیم. ما برای خودمان پیشگامی در ساختن تمدن اسلامی را تعریف کرده‌ایم. مطابق این تعریف پیش‌نیاز دست‌یابی به تمدن اسلامی، اسلامی کردن جامعه، حکومت و مبارزه با غرب است. در این تحلیل فرض بر این است که برای رسیدن به تمدن اسلامی یک جامعه اسلامی داشته باشیم. البته نه اسلام مدنی بلکه اسلام سیاسی و به تعبیر دیگر اسلام بنیادگرا یا خوانش خاصی از اسلام که طبعاً طرفداران محدودی حتی در بین مسلمانان دارد چه برسد به غیرمسلمانان. همین خوانش را قرار است بر جامعه هم تحمیل کنیم. یعنی جامعه اسلامی بسازیم و حکومت اسلامی هم بر این اساس باید شکل بگیرد که طبیعتاً الگوهای زیست‌مشخص و معینی باید بر جامعه تحمیل کند. با توجه به تنوعی که در جامعه وجود دارد، نمی‌تواند این الگوهای خاص را برگزیند؛ تک الگوهایی که ممکن است در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۲۰ درصد جامعه از آن استقبال کرده و مطلوب جامعه باشد. فرض بر این است که این تمدن اسلامی با تمدن غرب در تضاد است و یک تضاد انتاگونیستی با غرب دارد. بنابراین مادامی که تمدن غرب در قدرت است اجازه نمی‌دهد که تمدن اسلامی شکل بگیرد. راهکار این است که در جهت تضعیف تمدن غرب حرکت کنیم. چطور در این جهت حرکت کنیم؟ باید در کنار هر عامل و اتفاقی که می‌تواند به تضعیف تمدن غرب بیانجامد قرار بگیریم. اگر روسیه وارد جنگ اوکراین شده و در این جنگ در برابر غرب قرار گرفته، ما باید در کنار روسیه قرار بگیریم. ما باید در بلوک چین و روسیه - اگر چنین بلوکی تعریف شده باشد - قرار بگیریم. چرا که قرار است غرب تضعیف شود. یعنی یک تقابل کامل با کشورهای غربی، سوال نکنید مگر چین و روسیه ما همتا غیر از این هستند؟ چرا که اینگونه تعریف شده است.

مقابله با غرب اقتضائات و پیامدهایی دارد و تحقق تمدن اسلامی با این تعریفی که گفتیم دارای پیامدهای خارجی است و در داخل نیز باید یک الگو و خوانش خاصی از اسلام تحقق پیدا کند. به دلیل آن که تمام جامعه آمادگی پذیرش آن را ندارد، طبعاً باید از زور، قدرت، طرح‌هایی مانند طرح «نور» و لویچی

است. مستأصل است که چه راهی پیش پای اوست؟ دولت چهاردهم براساس مشکل و بحرانی که وجود دارد باید در جهت پرشکاف بین دولت و ملت حرکت کند. باید با به رسمیت شناختن مطالبات اقشار مختلف جامعه و گشایش سازوکارها و راهکارهای مسالمت‌آمیز انتقال مطالبات، مشارکت اقوام در اداره کشور، اعتماد جامعه به حاکمیت و امید جامعه به بهبود شرایط را تقویت کند. این بزرگترین رسالت دولت چهاردهم است. این دولت باید با تلاش برای ایجاد امید در جامعه به گشایش در افق آینده کشور در طرح مطالبات خود حرکت کند. ظرفیت‌های تلاش دولت چهاردهم باید این باشد که عقلانیت را در جامعه افزایش دهد چرا که جامعه خشمگین است. با تعبیه راهکارهای مسالمت‌آمیز و قانونی برای بیان خواسته‌ها و مطالبات باید از میزان این خشم بکاهد و بر حاکمیت عقلانیت سیاسی بیافزاید. این یکی از مهم‌ترین مسئولیت‌های حاکمیت است. تنها در این صورت است که می‌توان یک جامعه قدرتمند و حکومت توانا داشت. شرط توسعه، داشتن جامعه توانمند و حکومت توانا در حل مشکلات و پاسخ به نیازهای جامعه است. برخلاف راهکارهای رایج، ویرانگر، ضد ملی، که به خشونت‌آمیز می‌زند و در تنور نفرت می‌دمد دولت چهاردهم باید منادی وفای عمومی و مدارا باشد. هر چقدر بتوانیم جامعه را به توانمندی دولت مطمئن‌تر کرده و امید جامعه را به حل مشکلات بیشتر کنیم و عقلانیت را در جامعه تقویت کنیم، می‌توان جامعه توانمند و حاکمیت توانا داشت. همین در تنور خشونت هیچ مشکلی را از جامعه حل نمی‌کند. به قول گاندی: «چشم در برابر چشم، چشم تمام دنیا را کور می‌کند.» باید بتوانیم جامعه را قانع کنیم که از فرصت به‌وجود آمده استفاده کند. نمی‌دانم تا چند وقت دیگر در واقع نتیجه عبرتی است که حاکمیت گرفته یا نگرانی‌ای است که حاکمیت از عدم مشارکت مردم دارد. فرض‌های مختلفی می‌تواند وجود داشته باشد. از نظر نخبگان و فرهیختگان جامعه با تأیید صلاحیت آقای پزشکیان به‌عنوان تنها کاندیدای متفاوت یک فرصت مغتنمی پیش آمده است. ملت‌ها همیشه به استفاده از این فرصت‌های مغتنم است که توانسته‌اند مشکل را حل کرده و به سمت توسعه و پیشرفت حرکت کنند. نباید این فرصت‌ها را از دست بدهیم. ما در سال ۸۴ تمام تلاش خود را کردیم که مردم پای صندوق بیایند و تحلیل این بود که اگر نخبگان و دانشجویان پای صندوق بیایند می‌توانند جامعه را قانع کنند که پای صندوق بیایند. اما نخبگان، دانشجویان و سلب‌ریتی‌ها نیامدند و فکر می‌کردند که «مگر خاتمی چه کرد که بعدی بکند؟ خاتمی که گفت رئیس جمهوری تدارک‌جایی است.» به خاطر مشکلات، کارشکنی‌ها، دستگیری‌ها و بستن روزنامه‌ها تمام توفیقات دوره خاتمی فراموش شد. این مطلق‌گرایی باعث شد فرصت انتخابات از دست برود. در دور بعد که مرحوم هاشمی و احمدی‌نژاد به دور دوم انتخابات رسیدند، در فاصله یک هفته مانده بود که از دانشجویان و دانشگاهی‌ها خواهش کنیم و اعلام کردیم که کشور در خطر است. اما پای صندوق نیامدند و آن فرصت هم از دست رفت. ما هم با تعدد کاندیدای این فرصت را از دست دادیم و ۸ سال به تحمل دولت احمدی‌نژاد محکوم شدیم. گناه از دست دادن آن فرصت آنقدر سنگین بود که بحران سال ۸۸ نیز نتوانست مشکلی را حل کند. سال ۹۲ فهمیدیم تفاوت اینکه خاتمی رئیس‌جمهور باشد یا احمدی‌نژاد، چیست و از مطالبات حداکثری و مطلق‌گرایی دست برداشتیم. آقای روحانی کاندیدای اصلاح‌طلبان نبود و خود نیز ادعای اصلاح‌طلبی نداشت اما یک حرف داشت: «آمد سیاست خارجی را درست کنیم.» ما از مطلق‌گرایی هادست برداشتیم و از این فرصت استفاده کردیم و به تنها کاندیدای متفاوت رای داده و بهره‌آن را بردیم. بهره‌اش تأثیر بر جام، دو سال رشد اقتصادی دورقمی و رشد ادردی بدون اقتصاد نفت بود که در منطقه نظایر نداشت. دیوانه‌ای به نام ترامپ آمد و دو سال هم کشور گرفتار کووید ۱۹ و اقتصاد کشور فلج شد. دوباره موضوعات را از یاد بردیم. اگر کووید ترامپ نبودند کارنامه روحانی مثبت بود، اما گفتیم چه کاری کرده است؟

قرار بود ۸ سال این روند ادامه پیدا کند اما با فاجعه تاسف‌باری که رخ داد و مرحوم آقای رئیسی و همراهانش را از دست دادیم، در برابر فرصت دیگری قرار گرفتیم. باز هم می‌توان گفت چه فایده؟ و با مطرح کردن مطالبات حداکثری فرصت را از دست بدهیم. یا با واقع‌گرایی سیاسی و اجتماعی می‌توان از این فرصت استفاده کرد تا جامعه وضعیت بهتری پیدا کند. به اعتقاد من: شک نکنید که ایران با آقای پزشکیان ایران بهتری خواهد بود. نمی‌تواند تمام مسائل را حل کند اما می‌تواند زندگی مناسب‌تری را برای مردم فراهم کند و از بار این مشکلاتی که بر دوش مردم است بکاهد و وضعیت معیشتی بهتری برای مردم فراهم کند. این فرصت را نباید از دست داد و تمام ما مسئول هستیم که با این منطق تلاش کنیم هر کسی که تردید دارد را پای صندوق رای بیاوریم.



عکس: سعید زارعیان

گفتارها



پزشکیان با صداقت حرفش را زد

غلامحسین کرباسچی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، در تحلیل مناظره اول نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به «انتخاب» گفت: «طراحی کل این صحنه به نظر من طراحی‌ای نبود که کسی بتواند در آن حرف جذابی بزند. ۴ دقیقه صحبت و ترکیب آن چینی و بی‌توجهی که برخی اعضا در اتهام‌زنی داشتند، مجموعاً صحنه‌ی خیلی جذابی برای مخاطب و نامزدها به وجود نیاورد. برنامه کلاً پرریننده نشد و نامزدها نیز نتوانستند از آن استفاده کنند. کلاً صداسیما برای اینکه از داغ شدن انتخابات جلوگیری کند، صحنه‌ای ایجاد کرد که برنامه جذاب نشود. تشریفات این برنامه از خودش بیشتر بود. مجری هم بسیار مجری سرد و بی‌جاذبه‌ای بود که خودش یکی از عوامل مشکل در برنامه بود.» او درباره کیفیت صحبت‌های پزشکیان و میزان جذب آراء خاکستری بیان کرد: «آقای پزشکیان تحت تأثیر همین جو بود. آقای پزشکیان یک آدم جنجالی که بخواهد شارلاتان بازی در بیاورد و دروغ بگوید که نیست. ایشان یک چهره صادق و ریشه‌دار است که رعایت اخلاق را می‌کند. ایشان حتی حاضر نیست یک کلمه نامربوط بگوید. به نظر من آقای پزشکیان با همه‌ی صداقتی که داشت و ملاحظاتی که می‌کرد، حرفش را زد. اینکه حرف ایشان روی مخاطب چقدر اثر بگذارد مشخص نیست. کسانی که می‌خواهند به ایشان رای دهند، دنبال برنامه‌های صداسیما نباشند. آقای پزشکیان گفت هر کسی می‌تواند با تلفن دیگران را دعوت به شرکت کند.» کرباسچی درباره صحبت‌های پورمحمدی و واکنش جامعه نسبت به او گفت: «آقای پورمحمدی سابقه تبلیگی دارد و نوع بیان خوبی دارد، اما طرح جدیدی ندارد. معمولاً روحانیون دهان گرم‌تری برای سخنرانی دارند، اما در میان صحبت‌های ایشان ایده و برنامه خاصی دیده نمی‌شود. باید به مرور ببینیم مردم چه واکنشی نسبت به صحبت‌های ایشان نشان می‌دهند. از آن مشخص نیست.»



قول پزشکیان به فرهنگیان

مسعود پزشکیان، نامزد اصلاح‌طلب چهاردهمین دوره ریاست جمهوری عصر روز سه‌شنبه ۲۹ خرداد در همایش بزرگ فرهنگیان حامی خود که در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان واقع در خیابان حجاب برگزار شد، گفت: «ما اهل دعوا نیستیم ولی زیر بار زور هم نمی‌روم و در زندگی خودم طرف آدم‌های قلدر و زورگو نایستادم. همیشه طرف مردم بودم. اگر فردا مسئول شوم، جز اینکه برای شما بدم، کاری نخواهم داشت. برای آینده مملکت، به‌عنوان یک انسان نگرانم. اگر بلند نشویم، آینده تیره و تار است.» نامزد انتخابات ریاست جمهوری با بیان اینکه حاکمیت باید مدرسه را ببیند، اظهار کرد: «معلمان نباید غیر از شغل معلمی دغدغه دیگری داشته باشند، از این روز قول می‌دهم تا جایی که بتوانم وضعیت معیشتی معلمان را درست کنم. ما با هم می‌توانیم این مملکت را درست کنیم. اجازه نمی‌دهم در مدرسه به هیچ معلمی بی‌احترامی شود. آیین‌نامه استخدامی و نحوه مشارکت دادن معلمان در مدیریت را پیگیری می‌کنم.» او با تأکید بر اینکه مشکل «انسل زد» ما هستیم چون تغییر نکردیم، افزود: «اصلاً چرا باید نسلی جدا از ما درست شود. با این چپ‌ها باید دوست شویم و مشکلاتشان را حل کنیم. اگر مطالبه‌گر باشید ولی کسانی را نداشته باشید که حرفتان را بزنند، فایده‌ای ندارد. من اجازه نمی‌دهم نیروهای امنیتی در مدارس با شما رفتارهای کنونی را کنند. اگر به صحنه نیایید همان کارها را خواهند کرد.» پزشکیان در بخش دیگری از سخنانش اعلام کرد: «در باره کنکور مشورت می‌کنیم و تصمیم می‌گیریم. نباید یک عده تصمیم بگیرند و به بقیه دیکته کنند. باید اختلافات مان را حل کنیم و جلوی تنش را بگیریم. من می‌توانم جواب حرف‌های غیرمنطقی نامزدها را بدهم. می‌توانم پرورنده‌های آنها را در بیاورم. خیلی از آنان بیخود بالا آمده‌اند. نمی‌توانم در صداسیما بگویم «بگم-بگم» همین بگم‌ها ما را به اینجا رسانده است. کل زندگی من را بگردند، یک رانت پیدا نمی‌کنند. نتوانستند برای من پرونده بسازند.»